

يك بحث حقوقی

بدنبال پاسخ انجمن حسابداران خبره^۱ ایران به سوال تعدادی از اعضای انجمن در خصوص نحوه^۲ انتخاب موسسات حسابرسی در شرکتهای سهامی با توجه به وظائف بازرس قانونی که متین آن در شماره قبل بچاپ رسید، مطالبی در همین خصوص توسط برخی اعضاء و صاحب نظران بدفتر مجله رسیده است. در این شماره بدرج نظرات آقای غلامرضا سلامی اقدام نموده و سایر نظرات رسیده را در شماره های بعدی بنظر خوانندگان خواهیم رساند

طبق ماده ۱۵۶ قانون تجارت " بازرس نمیتواند در معاملات که با شرکت یا بحساب شرکت انجام میگردد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود".

متن ماده اخیر برای بعضی افراد این سؤال را مطرح میسازد که آیا به این ترتیب بازرس میتواند بطور مستقیم یا غیر مستقیم (از طریق موسسه ای که در آن شریک است) با شرکت منتخب خود قرار داد حسابرسی منعقد سازد یا خیر؟ آنطور که مشهود است این روزها سؤال مزبور جنبه رسمی تری بخود گرفته و در کمیته قوانین انجمن مطرح و نهایتاً " پاسخ آن بنحوی که در نشریه شماره ۱۳ انجمن آمده، داده شده است.

در این مقاله هدف این است که موضوع ازدیدگاه قانون مدنی و تعاریف مندرج در این قانون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تاکید مجددی بر قانونی بودن انتخاب با زرس و حسابرس یک شرکت از یک موسسه حسابرسی، بعمل آید.

طبق ماده ۱۹۵ قانون مدنی برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی محسوب شده است.

۱- قصد طرفین و رضای آنها

۲- اهلیت طرفین

۳- موضوع معین که مورد معامله باشد

۴- مشروعیت جهت معامله

حال لازم است اثبات گردد که انتخاب با زرس قانونی توسط یک شرکت و اعلام قبولی از طرف وی یک معامله محسوب میگردد. برای این منظور کافی است تحقق چهار شرط اساسی فوق را ثابت نمایم:

اولاً: " قصد و رضای شرکت برای انتخاب یک شخص بعنوان با زرس قانونی، بوسیله مصوبه مجمع عمومی اعلام میشود.

ثانیاً: " با زرس قانونی از طریق اعلام کتبی قبولی قصد و رضای خود را اطلاع میدهد هر چند که طبق مواد ۱۹۱ الی ۱۹۳ قانون مدنی برای تحقق عقد الزام کتبی بودن انشاء معامله وجود ندارد.

ثالثاً: " اهلیت شرکت که قابل شک نیست و بپرض وجود شرایط قانونی در با زرس اهلیت طرفین محرز میگردد.

رابعاً: " طبق ماده ۲۱۴ قانون مدنی مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هر یک از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفاء آن را میکنند که در مورد انتخاب با زرس، مورد معامله از طرفی وظیفه - ایست که با زرس قانونی انجامش را بعهده میگیرد و از طرف دیگر حق الزحمه ایست که توسط شرکت به او پرداخت میشود.

خامسا": جهت معامله رانیزقانون تجارت مشروعیت بخشیده است .

بنا براین در معامله بودن انتخاب و ایفای وظیفه با زرسی نمیتوان مردد ماند . حال دوباره برمیگردیم به متن ماده ۱۵۶ قانون تجارت طبق مفاد این ماده همانگونه که ذکر شد با زرس محق به انجام معامله با شرکت نمیباشد حال آنکه قبول وظایف با زرسی بلافاصله این ماده را نقض میکند ، حال چگونه باید این تناقض را پذیرفت ؟ آنچه که مسلم است قانونگذار با علم به معامله بودن عمل با زرسی ، این ماده را تنقیح نموده است . بنا براین واضح است که منظور ایشان از معامله آن قراردادی نبوده که برای اجرای وظایف با زرسی از ضروریات است . حتی به نظرنگارنده معاملات عادی و معمول و درحد یک مشتری که در بعضی مواقع غیرقابل اجتناب است نمیتواند مورد نظر قانونگذار باشد . برای مثال استفاده معمول از خدمات شرکت هواپیمائی جمهوری اسلامی برای یک مسافر ایرانی که با زرس شرکت مزبور هم میتواند در عدد آنها با شد امری طبیعی تلقی میگردد .

شاید سؤال شود آیا با زرس قانونی یک شرکت میتواند در هر معامله ای که در چهارچوب خدمات حرفه ای قرار دارد و با شرکت انجام میشود ذینفع واقع گردد . پاسخ این سؤال بنظرنگارنده منفی است ولی عقد قرارداد حسا برسی بطور مستقیم یا غیر مستقیم به سبب آنکه بمنظور انجام وظایف با زرسی از طرف با زرس ضروری تشخیص داده شده و تلویحا " و یا تصریحا " جزو شرط معامله است ، نمیتواند ناقض ماده ۱۵۶ قانون تجارت تلقی شود . مساله بعدی مربوط به این است که این قرارداد از طرف چه مرجعی تصویب گردد . به نظرنگارنده هیچ وجه تمایزی بین قراردادی که بوسیله مجمع و یا هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت تصویب میگردد ، وجود ندارد .

از نظر شخص ثالث ، یک شرکت هر چند به ارکان مختلف تجزیه شده باشد ، با زهم یک شخصیت حقوقی قلمداد میگردد و چنانچه نفس عقد قرارداد حسا برسی مغایر ماده ۱۵۶ فرض شود ، تصویب آن از طرف مجمع نمیتواند رافع مغایرت فوق باشد .

نکته دیگر مربوط به مقام تعیین کننده حق لزحه می باشد. درست است که طبق ماده ۱۵۵ قانون تجارت تعیین حق لزحه با زرس با مجمع عمومی عادی است لکن، با تنفیذ پرداخت حق لزحه با زرس در چهارچوب قرارداد حسا بررسی از طرف مجمع عمومی، میتوان چنین نتیجه گرفت که مجمع عمومی اختیار خود را در این مورد به ارکان پائین تر تفویض نموده است. حال ممکن است این سؤال مطرح گردد که آیا میشود با زرس حق لزحه دیگری جز آنچه که از طریق موسسه حسا بررسی خود دریافت نموده است دریافت داریا خیر؟

پاسخ این سؤال از نظر نگارنده منفی است زیرا در این صورت معامله با حسا بر سر از معامله با زرس منفک شده و این حالت است که مخالف ماده ۱۵۶ قانون تجارت تلقی میشود. و بالاخره آخرین موضوع مربوط به این سؤال است که در صورت عدم تصورات از نگذار از دو شخصیت متفاوت، برای امر حسا بررسی و با زرسی، چرا تبصره ماده ۱۴۴ (در مورد فهرست اشخاص واجد شرایط احراز مقام با زرس شرکتهای عام) و ماده ۲۴۲ (منضم نمودن گزارش حسا بدار رسمی به صورتهای مالی) پیش بینی شده است.

پاسخ این سؤال بسیار روشن است، از نظر نگارنده قانونگذار وجود دو شخصیت برای انجام وظایف با زرسی و حسا بررسی یک شرکت را بلا مانع تشخیص داده است و عملاً نیز در بسیاری از شرکتهای بهمین نحو عمل میشود ولی از تبصره و ماده مذکور در فوق نمی باید نتیجه گرفت که شخصیت واحد حسا بر سر و با زرس خلاف نظر قانونگذار میباشد و اگر اندکی دقت شود مراد از ماده ۲۴۲ ارائه گزارشی با استناداری حرفه ای تراز آنچه که برای گزارش با زرس در قانون تجارت پیش بینی شده است، میباشد.

آنچه که بیان شد صرفاً "استنباطات ناقص حقوقی نگارنده است از موضوع مورد بحث، امید است که اساساً تیدگرمی از طریق درج نظر خود در نشریه اینگونه مباحث را توسعه بخشند. باشد که از این راه وظیفه ای را که نگارنده از عهده ایفای آن برنیا مده، بانجام رسانند.